

فرزندان، والدین، نهادهای مدنی یا سیاست‌گذاری‌های اشتباه کدامیک مقصرند؟ (بخش آخر)

آن که از خانه فرار می‌کند، دیگر باز نمی‌گردد!

عبدالله جاویدی |



شاید بگویید زمانش که برسد، دختر و پسر فرقی ندارند. از خانه فرار می‌کنند! شاید هم درست باشد. اما در جامعه ما دختران فراری موضوع جدی‌تری نسبت به پسران فراری هستند. خانواده‌ها اگر نتوانند جوابگوی نیازها و احساسات جوانان باشند، مقدمه و بستری خواهد بود برای آنچه که ما بدان معضل فرار از خانه می‌گوییم. اینکه بگوییم فرزندان مقصر ترند یا والدین، جامعه موثرتر است یا سیاست‌گذاری‌های غلط! همه و همه نیاز به تأمل و دقت است. پیرامون این مسائل تاکنون بارها و بارها مطالبی نوشته شده است. اما کار روزنامه‌نگاران گویی فقط نوشتن است. گویی باید هر بار، آموخته‌هایی را یادآوری کرد. راه‌هایی را شناخت. آسیب‌هایی را بر ملا کرد تا چاره کار را به چاره‌سازان شناساند. یک تحقیق دانشجویی نشان می‌دهد، فرار از منزل در ایران به دلایل متعددی از جمله بدرفتاری والدین و سرپرستان، شیوه‌های فرزندپروری سهل‌انگارانه یا مستبدانه، اختلاف شدید بین والدین و اعضای خانواده، تک‌والدی، بی‌سرپرستی، وجود ناپدری یا نامادری، اعتیاد، جدایی و فوت زودهنگام والدین، مشکلات اجتماعی-اقتصادی، رشد سریع جمعیت، تغییرات فرهنگی، فرصت‌اندک‌شغلی و سطح پایین تحصیلات صورت می‌گیرد.

عوامل اجتماعی

انحرافات و ناهنجاری‌های رفتاری عموماً از طریق گروه‌های نظیر دوستان یا خانواده آموخته می‌شود. هر چقدر میزان گذران جوان با گروه‌های سنی خود که امور خلاف در آنها هنجار است، بیشتر باشد، فرد هم‌رنگ و همانند آنها می‌شود و برای کسب احترام در گروه، به رفتارهای خودنمایانه نظیر فرار از خانه تشویق می‌شود.

وسایل ارتباط جمعی:

زمانی که رسانه‌ها موضوع دختران فراری را با ذکر جزئیات منعکس می‌کنند باعث می‌شود قبح مسأله تا حد بسیار زیادی شکسته شود و به‌عنوان یک عمل عادی جلوه کند.

برخی فیلم‌های تلویزیونی نیز مشوق فرار از خانه هستند؛ ترویج روحیه استقلال‌طلبی غیرمنطقی در سنین نوجوانی، تنوع‌طلبی، عدم رعایت احترام به نظرات والدین و پر خاشاگری نسبت به بزرگ‌ترها، ترویج فرزندسالاری، مادی‌گرایی و روح بی‌بندوباری اخلاقی، مقابله با جوانان، بدون نمایش صحیح پشیمانی و ندامت آنها؛ می‌تواند در شیوع این پدیده موثر باشد. نقش ماهواره، اینترنت و موبایل و شبکه‌های اجتماعی در رواج بی‌بندوباری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پایبندی مذهبی و... حایز اهمیت است.

شهرنشینی

گاهی جاذبه‌های شهرهای بزرگ، تحصیلات شهری و امکانات مادی و انگیزه در اختیار داشتن آنها باعث ایجاد سربازی در اذهان افراد می‌شود که موجبات متواری شدن و فرار از خانه را بین دختران موجب می‌شود.

تغییر ارزش‌ها:

گاهی هم جوان امروزی در چهارراه سردرگمی و تضاد ارزش‌ها گرفتار می‌شود. در این شرایط ممکن است با مشکل بحران هویت، کاهش پایبندی به ارزش‌های دینی و اجتماعی و شکاف نسلی بین خود و والدین مواجه شود. آنچه جوانان از اجتماع می‌آموزند با ارزش‌های خانواده منطبق نیست و حتی در تناقض آشکار است و همین امر شخصیت او را دچار دوگانگی می‌کند. دختران در چنین بحرانی دچار خود درگیری می‌شوند و برای فرار از این حالت به شیوه‌های مختلفی نظیر فرار از خانه متوسل می‌شوند.

مشکلات اقتصادی:

در شرایط بیکاری و بحران اقتصادی در خانواده، پدر یا جانشین پدر ممکن است تصمیمات نامناسبی نظیر اجبار دختر به ازدواج یا مرد مسن ثروتمند یا اجبار دختر به اشتغال در مشاغل غیرمجاز مانند خرید و فروش مواد مخدر را اتخاذ کند و دختر خانواده نیز متعاقباً در صدد خواهد بود که خود را از این وضعیت اسف‌بار نجات دهد و به استقلال اقتصادی دست یابد؛ همین امر انگیزه فرار از خانه را در او تقویت می‌کند، غافل از اینکه رو به سیاهی و تباهی در حرکت است.

پیامدهای فرار دختران

هنگامی که دختری به هر دلیلی از خانه فرار می‌کند، خود و پیرامونش (خانواده و جامعه) را تا شعاعی وسیع به طرق مختلف در معرض آسیب‌ها و خطرات بسیار زیادی قرار می‌دهد. این پیامد‌ها در بُعد فردی، خانوادگی و اجتماعی قابل بررسی است:

پیامدهای فردی

فرار، آغاز بی‌خانمانی و بی‌پناهی است. دختران فراری برای امرار معاش به سرقت، تکیه‌گری، توزیع مواد مخدر و مشروبات الکلی، روسپیگری و فحشا اقدام می‌کنند. ارتکاب به انواع جرایم و فسادهای اخلاقی موجب می‌شود دچار بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی شوند و حتی برخی از آنان به دلیل سرفکندگی ناشی از تجاوزات، دست به خودکشی می‌زنند.

پیامدهای خانوادگی

فرار دختران می‌تواند بزرگترین لطمه برای حیثیت و شرافت خانوادگی فرد باشد. این عمل اولاً، نشانه‌ای از ناکارآمدی خانواده در تربیت فرزند، شکاف نسلی بین والدین و فرزندان و اختلافات خانوادگی است و ثانیاً، از آن‌جا که فرجام و سرانجام فرار دختران در اکثر موارد، گرفتار شدن در باندهای فساد و فحشا و ارتکاب جرایم اخلاقی است لذا فرار به مفهوم لکه‌نگ و بدنامی برای خانواده محسوب می‌شود و بدین لحاظ کمتر خانواده‌هایی هستند که دختران فراری را مجدداً به آغوش خانواده بپذیرند.

پیامدهای اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی از جمله فرار که منجر به بی‌حرمتی اخلاقی، تخطی از هنجارهای اجتماعی و ایجاد فضای مسموم جامعه می‌شوند می‌توانند ضمن لکه‌دار کردن عفت عمومی و شکستن حریم‌های اخلاقی، بهداشت روحی و روانی اعضای جامعه را تهدید کرده و آسیب جدی بر سلامت جامعه وارد کنند.

پیشنهادهایی برای حل این معضل:

۱- برای کاهش فرارها در گام نخست باید تغییراتی در نحوه ارتباط و تعامل فرزند با والدین صورت گیرد و لازم آن این است که والدین و نوجوان هر دو مهارت‌های زندگی را آموزش ببینند که در این زمینه آموزش مهارت‌هایی مانند مقابله با فشارهای روحی-روانی (استرس)، حل مسأله و... لازم است، البته محیط خانواده باید به گونه‌ای باشد که برای بحث و گفت‌وگو آماده باشد و جو زور و تحقیر نباشد.

۲- توجه و رسیدگی بیشتر به نهاد خانواده و سعی در رفع مشکلات مختلف فرهنگی، اقتصادی و تربیتی

۳- بکارگیری تمهیدات لازم جهت پیشگیری و کاهش نرخ طلاق از طریق تقویت مراکز مشاوره و ارائه کلاس‌های آموزش حقوق و تکالیف زوجین قبل از عقد رسمی

۴- تهیه و نمایش فیلم‌های آموزشی درباره اثرات روش‌های نادرست تربیتی (محدودیت‌های زیاد و آزادی زیاد، فاصله عاطفی و...) برای والدین

۵- تقویت ارتباط میان والدین با مربیان و تعامل میان مدرسه و خانواده

۶- تقویت مراکز مشاوره مفید و کارآمد در مدارس و مناطق آموزش و پرورش

۷- انجام تست‌های سلامت‌سنجی روانی از دانش‌آموزان و شناسایی نوجوانان مستعد فرار از خانه و الزام مراقبت‌های موردنیاز برای آنان

۸- ایجاد مراکز مشاوره جهت آشنایی بین خانواده‌ها و نوجوانان فراری

۹- ایجاد مراکز دولتی و قسبول حضانت و تربیت نوجوانان خانواده‌های گسسته

۱۰- آشنایی نیروی پلیس با خصوصیات دختران فراری و نحوه برخورد با آنان

۱۱- تقویت و سازماندهی نهادهای موثر در اسناد خانواده‌ها از جهات مختلف (بطور کلی برقراری عدالت اجتماعی در جامعه).

نهادهای مدنی چه می‌کنند؟

راه‌اندازی ۸ پایگاه خدمات اجتماعی توسط شهرداری در تهران ویژه شناسایی و کمک به دختران فراری

بسیاری از دختران فراری از شهرستان‌ها به تهران می‌آیند تا موقعیت و شرایط خود را بهبود بخشند؛ بنابراین در ترمینال‌ها و پایانه‌ها سرگردان می‌شوند. یکی از اقداماتی که در خصوص کاهش آسیب و عوارض این پدیده اجتماعی صورت گرفته، راه‌اندازی پایگاه‌های خدمات اجتماعی توسط شهرداری تهران است. این طرح از چند سال پیش در ۸ منطقه تهران آغاز به کار کرد تا مددکاران این پایگاه به کار شناسایی، جذب و ارجاع این دختران بپردازند. این ۸ پایگاه در پایانه جنوب، پایانه غرب، منطقه فرحزاد، محله هرندی، پارک المهدی، حرم حضرت عبدالعظیم، مترو امام‌خمینی (ره) و محله اتابک مستقر بوده و در این زمینه فعالیت می‌کند.

یکی از مددکاران پایگاه ترمینال جنوب به مهرخانه می‌گوید: در این پایگاه کار آسیب‌شناسی را انجام می‌دهیم؛ به نحوی که بعد از شناسایی این دختران، با آنها صحبت می‌کنیم و علت فرار را جویا می‌شویم. سپس با خانواده آنها ارتباط برقرار می‌کنیم و اگر امکان حضور خانواده‌ها در پایگاه باشد، دختران را حضوری پس از کشف علت و صحبت با دختر و نیز خانواده، به خانه برمی‌گردانیم.

اگر بازگشت به خانواده محقق و ممکن نباشد، پس از حضور در خانه‌های سلامت و بازتوانی آنها، دختران زیر ۱۸ سال که امکان حضور در خانواده نداشته باشند، به مراکز شبه‌خانواده‌های بهداشتی ارجاع داده می‌شوند و دختران بالای ۱۸ سال، در خانه‌های سلامت باقی می‌مانند تا بتوانند به اشتغال یا تحصیل مستقل شدن برسند

این پایگاه‌ها برای کمک به مددجویان، علاوه بر بهزیستی با NGO زنجیر امید نیز در ارتباط هستند، اما ضرورت افزایش کمک‌های بیشتر احساس می‌شود. همچنین لازم است ظرفیت پذیرش بهزیستی نیز بیشتر شود تا دختری که امکان برگشت به خانه را ندارد، بتواند به جای زندگی در خیابان، جای امنی برای اسکان داشته باشد.

مرکز مداخله در بحران‌های اجتماعی خانه سلامت و... در بهزیستی برای خدمت به نوجوانان فراری

یکی از نکاتی که در زمینه دختران فراری باید مورد توجه ویژه قرار گیرد، ایجاد و گسترش مراکز حمایتی است تا در صورت فرار، دختران بتوانند به یکی از این مراکز مراجعه کرده و کمتر دچار آسیب‌های ثانویه شوند.

همچنین در سطح درمان، فعالیت و گسترش مراکز حمایتی، بسیار موثر و مورد نیاز است. در این سال‌ها ایجاد مراکز هم‌چون مرکز مداخله در بحران‌های اجتماعی، خانه سلامت، مرکز مداخله در طلاق، حمایت از کودکان بی‌سرپرست معلول و ایجاد خط تلفن اسامد، از جمله فعالیت‌های سازمان بهزیستی در مورد نوجوانان فراری بوده است.

چندی پیش معاون اجتماعی سازمان بهزیستی در مورد نحوه مداخله مراکز بهزیستی در ساماندهی و حمایت از دختران فراری در گفت‌وگو با مهرخانه اعلام کرد: مراکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی متولی دختران فراری هستند که از ۳ طریق به سازمان بهزیستی ارجاع داده می‌شوند: یکی از طریق تماس یا خط مستقیم ۱۲۳ که برای ارتباط و گزارش دهی به مددکاران بهزیستی

وجود دارد، دوم از طریق نیروی انتظامی که در سطح شهر به این دختران برخورد می‌کند و سوم از طریق قوه قضائیه. دخترانی که به این ترتیب به مراکز مداخله در بحران بهزیستی ارجاع داده می‌شوند، به صورت کوتاه‌مدت که سقف آن تا ۶ هفته است، می‌توانند در این مراکز بمانند و تحت حمایت قرار بگیرند. پس از این مدت، اگر امکان برگشت به خانواده نباشد، این دختران به خانه‌های سلامت در ۳۱ استان ایران موجود است و این قابلیت را دارد که در مدت زمان بیشتری به بازتوانی و ساماندهی این دختران بپردازد.

بازگشت به خانه

اولویت نخست بهزیستی

نفریه، اولویت را بازگشت این دختران به خانواده می‌داند و می‌گوید: اگر بازگشت به خانواده محقق و ممکن نباشد، پس از حضور در خانه‌های سلامت و بازتوانی آنها، دختران زیر ۱۸ سال که امکان حضور در خانواده را نداشته باشند، به مراکز شبه‌خانواده بهزیستی ارجاع داده می‌شوند و دختران بالای ۱۸ سال، در خانه‌های سلامت باقی می‌مانند تا بتوانند به اشتغال یا تحصیل مستقل شدن برسند.

از چند سال گذشته خانه‌های سلامت با استناد به ماده‌واحد لایحه قانونی در خصوص تشکیل سازمان بهزیستی کشور، جهت حمایت از دختران نیازمند حمایت‌های اجتماعی، شکل گرفت. براساس قانون، دختران در معرض آسیب‌های اجتماعی و فاقد حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی توسط این مرکز تحت پوشش قرار می‌گیرند. این مرکز با ارائه خدمات، درصد است تا زمینه‌های کسب استقلال اقتصادی و اجتماعی لازم را برای این دختران فراهم کند و در تأمین حداقل نیازهای اقتصادی و جلوگیری از ابتلا به سایر آسیب‌های اجتماعی، آنها را یاری کند.

همایون‌هاشمی، رئیس سابق بهزیستی کشور می‌گوید: ما چند سطح مرکز داریم، مراکز

ساماندهی دختران فراری دو دسته‌اند: یکی مراکز یا همان خانه‌های سلامت برای آنهایی است که آسیب ندیده‌اند و مراکز بازپروری برای افرادی است که وارد فاز آسیب شده‌اند. صحیح نیست دختر آسیب‌دیده را در کنار زن آسیب‌دیده نگه داشت؛ چراکه اثرات آن مخرب است.

خانه‌های ریحانه

به علت موازی کاری تعطیل شدند

همان‌طور که گفته شد شهرداری تهران نیز در این زمینه اقداماتی داشته است. در سال‌های گذشته شهرداری تهران با طرح‌ریزی «خانه ریحانه» برای دختران و «خانه سبزه» برای پسران سعی کرد با همکاری دیگر مراکز تا حدی پناهگاهی امن برای دختران تهیه کند تا دچار آسیب‌های جدی‌تری در جامعه نشوند. اما راه‌های موجود در «خانه ریحانه» نشان می‌داد که ۷۰ درصد دختران فراری در مقطع تحصیلی راهنمایی بودند. خانه‌های ریحانه که در اواخر دهه ۷۰ تشکیل و راه‌اندازی شدند، مراکز می‌بودند که به‌عنوان مراکز حمایت از دختران فراری و بدسرپرست به نگهداری از این دختران می‌پرداختند و دارای مشاور و مددکار بودند. این مراکز در اوایل دهه ۸۰ و در راستای عدم انجام کارهای موازی با سازمان بهزیستی تعطیل و با مراکز مداخله در بحران بهزیستی ادغام شدند.

ورود خیرین

به حوزه ساماندهی دختران فراری

اما به‌تازگی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی از راه‌اندازی نخستین مرکز ساماندهی دختران فراری در تهران توسط خیرین خبر می‌دهد و می‌گوید: در حال حاضر در تهران نخستین مرکز ساماندهی این دختران توسط خیرین انتخاب و در حال ساخت است و امیدواریم پس از رونمایی از این مرکز بتوانیم چنین مرکزی را در سطح استان گسترش دهیم. در کشور، دختران فراری توسط سازمان بهزیستی کشور پذیرش می‌شوند، ولی باید این حمایت‌ها از حمایت‌های بهزیستی فراتر رود و به حوزه خیرین وارد شود؛ زیرا در صورت ورود خیرین به حوزه ساماندهی دختران فراری، قطعاً شاهد گسترش و افزایش حمایت‌ها در این زمینه خواهیم بود. ربیعی می‌افزاید: برخی از این دختران هیچ تمایلی برای بازگشت نزد خانواده خود را ندارند، بنابراین باید فکری اساسی برای این دختران صورت گیرد؛ زیرا نباید برای برگشت آنان به خانواده‌شان اجباری در کار باشد.

اینکه راه‌اندازی این مرکز تا چه حد می‌تواند از مشکلات و آسیب‌های دختران فراری بکاهد، امری است که برای فهم آن باید منتظر ماند. اما آنچه بیش از همه اهمیت دارد، این است که باید دختران و نوجوانان را در مدارس با پیامدها و عواقب فرار از خانه آشنا کرد، همچنین از طریق برگزاری کارگاه‌ها و جلسات مشاوره، والدین را با حساسیت‌ها، نیازها و خلقیات نوجوانان آشنا کرد تا در صورت رفتار و رویه غلط، اصلاحات لازم صورت گیرد تا ما شاهد فرار دختری پسرپی از خانه و خانواده نباشیم.

